



ویزا

کوچ بوده و خواهد بود، حتی در کتاب آسمانی مسلمانان به صراحت اشاره شده مگر زمین ما آنقدر گسترده نبود که هجرت نکردید!

بیشتر هجرت های بشر برای شرایط بهتر زندگی است اما گاهی نیز فقط برای نجات جان است . کشور هایی که خود باعث اصلی بوجود آمدن شرایط نامساعد زندگی هستند با بدترین شرایط امکان اقامت و زندگی را برای پناه جویان بوجود می آورند و قشر زیادی از مردم جهان که تن به مهاجرت و پناهندگی میدهند تمام تلاششان را می کنند تا فقط بتوانند وارد این کشور ها شوند و از آرامش نسبی برخوردار شوند.

بار ها در خصوص پناهندگی و شرایط زندگی سخت پناهندگان نوشته ایم ولی این بار از صدور ویزا صحبت میکنیم و اینکه گاه یک پناهنده برای دیدار خانواده و عزیزانش چه درد و رنجی را متحمل میشود که آنها را ببیند .

بعضی از کشور ها حق و حقوقی برای خود قائل میشوند و افراد باید مبالغی را بپردازند تا بتوانند با پرداخت هزینه ای وارد این کشور ها شوند .

ایران یکی از بزرگترین کشور های پذیرای پناهنده میباشد و همیشه ویزا و مشکلات اقامتی این افراد از دغدغه های دولت و مردم بوده و میباشد.

قشر عظیمی از پناهندگان و جویندگان کار از کشور دوست و برادر افغانستان وارد ایران شده اند که در طول بیش از چهار سال گذشته به نوعی با فرهنگ ایران همبستگی داشته و دارند و در بعضی موارد نقش بسزایی در بخش ساخت و ساز و امور خدماتی داشته اند.

اما هنوز مشکلات ایشان آن طور که باید و شاید حل نشده و ترس و بیم و نا امیدي در وجود این دوستان می باشد.

مدتی است که مؤسسه آشتی در این امر پیش قدم شده و امید وار هستیم تا با برطرف کردن قسمتی از این قوانین دست و پا گیر بتوانیم دیده بعضی از افراد را به نور دیدن خانواده هایشان روشن نمائیم خوشبختانه مقام معظم رهبری با دیدی پدرا نه و دلسوزانه سعی نموده تا با صدور احکام حکومتی مسیر زندگی و آسایش این افراد را در ایران تسریع نمایند .

انشاءالله مسئولین هم کمی همت نمایند و به این امر سرعت ببخشند.

بسیار زیباست لحظه دیدار والدین با فرزندان و یا همسران با یکدیگر، به امید اینکه هر چه زودتر مرزها لااقل در جهان اسلام مانند کشورهای اروپایی برچیده شوند و ویزا برای سفر در این کشور ها مانند دیگر کشورهای معتبر جهان فراهم آید.

یا حق
جعفر صابری

موسسه آشتی بر گزار می کند

کار گاه رمان نویسی و کلاسهای

ادبیات داستانی، مبنای و پیشرفته

(آنلاین و حضوری)

مدرس:

بانو سیمین عیوض زاده / نیاز

۰۹۱۲۰۲۶۹۲۷۳

۰۲۱۴۴۶۰۸۶۷۲

استاد مرتضی نداف

مرتضی نداف متولد مرداد ۱۳۵۹ کاشمر ، از سال ۷۲ فعالیت خود را با موسیقی در گروه سرود دوران راهنمایی آغاز نمود . وی در همان سالها به تلاوت زیبایی قرآن نیز مشغول بود و تبحر خاصی در قرائت به سبک عبدالباسط داشت .

او با ساز نی فعالیت موسیقی خود را به طور جدی آغاز نمود و با اجرا در هیئات مذهبی و دسته های عزاداری محرم توانست به مهارت خاصی در تک نوازی نی برسد .

او همزمان به هنر اصیل و کهن سوخته نگاری مشغول شد .

وی میگوید در کاشمر کلاس و استادی برای آموزش سوخته نگاری نداشت و به طور کاملا اتفاقی و از سر کنجکاو مشغول شد به این صورت که در ابتدا قصد داشت بر روی ساز نی خود نقوشی را ایجاد کند و با رنگ شروع کرد و نتیجه مطلوب نبود .

پس از یک هفته نقش مهر روی نی ذهنش را مشغول میکند که چگونه این نقش پاک نمیشود و با این سبک اشعار و نقوش را روی نی پیاده کند . سریع میخی را داغ میکند و روی نی میگذارد . نقش سوخته روی نی پاک نمیشود . با درفشی شروع به تمرین میکند .

آن زمان با داغ کردن درفش روی شعله های آتش کار میکند و یک روز در کارگاه رادیو تلویزیون سازی دایبی بزرگش با هویه این کار را انجام میدهد . نتیجه مطلوب تر و تمیز تر میشود . ابتدای امر به صورت نقطه ای تمرین میکند . پس از چند روز دایبی کوچکترش میگوید هویه را روی نی حرکت بده و تست کن . دقیقا همان چیزی میشود که وی میخواهد .

اولین اثرش آیه و ان یکاد را روی نی نقش میزند . روزی به کوه برای نی نوازی میرود . در مسیر برگشت از کوه تعادلش را از دست میدهد و حدود ۱۰ متر روی سنگها غلطان میشود تا به تخته سنگی برخورد میکند و از پرت شدن به ته دره جلوگیری میکند . اما همان نی در دستش می ماند و رها نمیکند .

دقیقا دستش روی آن آیه است . میبیند که آسیب جدی و شکستگی ندارد و به پایین کوه می آید . میرسد به امامزاده واجب التعظیم سید مرتضی (ع) برادر امام رضا (ع) در کاشمر . با پیرمرد سیدی برخورد میکند و جویای احوالش میشود که چرا لباسهایت خاکی و پاره است. داستان را میگوید . وی میگوید این کاری که روی نی کردی و آن آیه نجات داد . این ساز و این هنر سوخته نگاری را رها نکن .

سال ۸۲ آثار سوخته نگاری وی به میراث فرهنگی معرفی میشود و همان سال ۴ عدد از نی های منقوش به مینیاتور و خوشنویسی وارد موزه معاصر هنرهای سنتی میشود .

سال ۸۳ لوح استادی را از میراث فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت میکند . وی در ادامه فعالیت حرفه ای خود چنین گفت :

سال ۸۲ که با تشویق و حمایت میراث فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مواجه شدم انگیزه گرفتم به طور مستمر و حرفه ای به تحقیق و پژوهش های بیشتر و توسعه این هنر اصیل بپردازم .

در نمایشگاه روز جهانی صنایع دستی با رسانه ملی آشنا شدم . به برنامه زنده دعوت شدم برای آموزش سبکی که برایش بیش از ده سال تلاش کرده بودم .

مخاطبین زیادی را با این هنر آشنا کردم و در شبکه های مختلف تلویزیونی به آموزش پرداختم پس از آن جراید و خبرگزاریها مصاحبه های فراوانی با من ترتیب دادند و هر چه توانستیم از ابعاد مختلف این هنر بیان کردم .

گزارشی از: ناصر زمانی

کشورهای مختلفی برای معرفی و حضور در رویدادهای جهانی و بین المللی به طور انفرادی حضور داشتیم و نمایشگاههای اختصاصی در موزه ها و گالریهای معتبر برپا کردم .

سال جهانی مولانا که از طرف یونسکو برگزار شد در موزه ملی آلبانی شهر تیرانا نمایشگاه انفرادی برپا شد و در هتل بین المللی تیرانا دو قطعه تک نوازی نی اجرا کردم . اکسپوی جهانی شانگهای چین نیز حضور داشتیم و اجرای زنده سوخته نگاری اجرا نمودم . در بلاروس نیز نمایشگاه و اجرای تک نوازی نی داشتیم . بارها به کشورهای عربی منجمله امارات ، عربستان ، قطر و عمان دعوت شدم که مهاجرت کنم و به عنوان یک هنرمند غیر ایرانی مشغول شوم و زندگی کنم . اما از عواقب احتیاط کردم .

در زمینه ریزنگاری صاحب سبک هستم و روی گندم و ارزن و پرکاه و چوب آثار بدیعی را بلطف حق انجام دادم . منجمله کتابت آیت الکرسی و هفت مرتبه سوره توحید روی یک دانه گندم با هنر سوخته نگاری و با چشم غیر مسلح و عادی که به گنجینه موزه امام رضا(ع) اهدا نمودم که بابت همین اثر عربستان به وزن طلا میداد اما من نذر امام رضا (ع) اهدا نمودم . روی ارزن شمایل امام علی (ع) را طراحی کردم .

کلکسیون کوچکترین تابلوهای هنری جهان روی چوب را دارم که شامل تصاویری از شیخ محمد حاکم دبی ، شیخه موزه مادر امیر قطر ، سلطان قابوس و حیدر علی اف است . آثاری از این دست دارم که زیاد است.

سال ۸۴ ازدواج کردم و اکنون دو فرزند به نام الننا ۱۴ ساله و اهورا ۹ ساله دارم که بیش از من استعداد هنری دارند و هر دو در نقاشی و موسیقی و طنز استعداد کمدی و طراحی لباس هنری مشغولند و در حال بررسی و کشف و علاقه نهایشان هستم که در همان زمینه ای که علاقه و استعداد بیشتری دارند فعالیت را ادامه دهند .

زهره مودب همسرم در هنر سوخته نگاری ۱۵ سال است فعالیت حرفه ای دارد و برگزیده اولین نمایشگاه دستاوردهای زنان هنرمند تهران شد و در چندین جشنواره و رقابت هنری حائز رتبه های عالی شد اما روحیه وی بگونه ای است که میگوید دوست ندارد در این رقابتهای باشد و خودش را همیشه شاگرد تلقی میکند و میگوید باید هنر را قوی تر و بهتر و مردمی تر انجام داد و ذهنش مشغول اجراست .

در حال حاضر بلطف و یاری حق موفق به راه اندازی مؤسسه فرهنگی سوخته نگاری ایران شدم و در سال ۸۹ توانستیم ۸ جشنواره و همایش و نمایشگاه ملی را برگزار کنیم .

طی ۲۸ سال تجربه توانستم شاگردان زیادی را تربیت کنم و تحویل جامعه دهم و شاکر این موهبت هستم .

اکنون بدنبال ایجاد بازارهای خاص برای این رشته هنری زیبا هستیم که در این مسیر با شرکتها و افراد متخصص زیادی صحبت کردیم و در شرایط فعلی و کرونا باید سیستم و سیاست را به روزتر با این احوال جلو ببریم .

طرحی که بدنبال اجرای کلان آن هستیم بگونه ای است که به محض شروع مشاغل و صنایع زیادی درگیر آن میشوند و در حوزه لاکچری و کاربردی این قابلیت برای ارائه وجود دارد و آمال ما صادر کردن هنر اصیل ایرانی است که توانسته با صنعت روز منطبق شود که یک بازار سودآور و منحصر بفرد را پایه ریزی کند .

با تشکر از استاد نداف